

صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

به شکرانه‌ی توفیق ختم قرآن:

خاتمه هرگز نیابد این کتاب	جاری هست و مستمر آیاتِ ناب
یافتی توفیق و اگر خواندی تمام	با شروع دیگری بنما سلام
گر هزار بارِ دگر خوانی رواست	نکته‌هایش هادی و هم رهنماست
بحر وحدت را در آن نبودِ حدود	هر کسی در حدّ خود صیدی نمود
نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ، گفت آن احد	حافظیم ما این کتاب را تا ابد
اهرمن رانده بگردد زین حریم	گر شکوفا گشته آیاتِ کریم
چون کلام باشد ز ربّ العالمین	بیشترین فیض را برند اهلِ یقین
می‌شود سرمایه‌ات در عاقبت	گر که خواندی با یقین و معرفت

با سپاس از پروردگار در توفیق خاتمه‌ی قرائت کلام الله مجید، امید است با قرائت مکرّر و بیشترِ آیات مجید، بیش از پیش با ماهیّت و معنویّت آن آشنا تر شده و نکات قرآنی سرمشقِ زندگی دنیا و ذخیره‌ی آخرتمان گردد.

در خاتمه به منظور حُسن ختام، از گوهرهای حروف الفبای فارسی که ناقلانِ اندیشه و اساس ارتباط و بیان احوالات فارسی زبانان می‌باشند، به ترتیبِ ۳۲ حروف الفباء در اوّل هر بیت استفاده شده و برخی نکات قرآنی متذکّراً یادداشت شد تا در حدّ خود از این دُرّ مکنون و گنجینه‌ی الهی، گوهرهایی در جهت سرمایه‌ی معنوی برداشت نمائیم.

الف

ألفت است اوّل قدم در راه دوست آن که آخر، رجعت آدم بر اوست

ب

بندگی دارد شروطی از نخست با خدا با صدق و کردار درست

پ

پرتوِ عشقی که می‌باشد ز حق می‌رسد در حدّ استحقاقِ خلق

ت	تذکيه گردد ز نورش نفسِ دون	می‌کند طيّّ مراحل، گونه‌گون
ث	ثانی نبوّد بعد از آن اوّل عدد	زین سبب گویند، هُوَ اللهَ اَحد
ج	جلوه‌ی انوار ذاتِ ذوالجلال	در تجلّی هست و در حدّ کمال
چ	چون و چندی نیست یا آنکه چرا	خود، دلیلِ خود بوّد ذاتِ خدا
ح	حکمتی بوده به هر چیز از نخست	تا مدار کائنات گردید درست
خ	خلق بنمود و به آدم داد حیات	تا بیابد معرفت از هر جهات
د	داد گسترد او ز فرقان و ز حق	جمله مخلوقند به فرجام مستحق
ذ	ذلت و خواری رسد پایانِ کار	یا بگردد آدمی بس رستگار
ر	ربِّ عالم خود مُربّیست بر بشر	تا بیابند راهِ نیک یا راهِ شر
ز	زُهد یابد هر که شد از مُتّقین	هست شریعت نور اندر راه دین
ژ	ژاله‌وار بر شاخ و گل‌ها و نبات	او بچسبد بر اصول اندر حیات
س	سر نجنباند مگر سویِ اله	تا نیفتد در ضلالت یا تباه

ش	شمعِ ره شد جمله آیاتِ مُبین	آنچه حق وعده نمود از یومِ دین
ص	صبحِ امید را ببیند چون شَفَق	نیست خلاف در وعده‌ی ربّ‌الْفَلَق
ض	ضیقِ وقتِ آدمی اندر حیات	هست معماً بهر او وقتِ ممات
ط	طالب حق هر که شد در زندگی	او به مطلوبش رسد از بندگی
ظ	ظلمتی باشد ولیکن طیّ راه	گر نبیند نورِ حق گردد تباه
ع	علم، چون نورست و باشد چشمه‌سار	لیک علمِ مِنْ لَدُنْ از کردگار
غ	غیبی باشد پشتِ این دنیا یقین	که بر آن غیب واقف آیند متّقین
ف	فاطرِ کلّ سماوات و زمین	پشتِ ظاهر، باطنی بنمود قرین
ق	قلبِ آدم با طپش بخشیده جان	رابطِ جسم است با روح و روان
ک	کامل است قرآن ز اندرز و پیام	از حکایت‌ها و پندهای گرام
گ	گفتگو و فعلِ آدم گونه‌گون	می‌برد سوی تباهی نفسِ دون
ل	لب به توبه لیک اگر آدم گشود	می‌پذیرد از کَرَمِ ربّ و دود

م

مِهْرِ بی‌حد، بر خداوند و رسول

ن

ناجی، قرآن است و عترت معرفت

و

واصل آید بر لقای حق بشر

ه

هادی خلق است خداوند جهان

ی

یاء، یقین است، آخرین حرفِ کمال

بار الها! هر کسی خواند این کتاب
از وحید این باقیات را کن قبول

و صَلَّی اللّٰهَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

وحید رضا رهنما